

مسائل اساسی انقلاب را ملاک قرار دهید و بر اختلاف نظرهای فرعی غلبه کنید

اینک دیگر لزوم یک تفاهم اصولی و انقلابی بین مسئولین امر و گردانتندکان قوای مختلفه مملکتی، لزوم پایان دادن به دعوی قدرت و آغاز کردن تقویت و تحکیم اساسی جمهوری اسلامی ایران بر همه آشکار شده است. جامعه ما از این همه دو بهیم زنیها، بیکه تازیها، انحصار طلبیها، تک رویها - آنهم بعد از آن انقلاب عظیمی که میلیونها مردم یکدل و یک جان در آن شرکت داشتند - بیجان آمده است.

برای بسیاری از مردم این وضع، این اضمحانات متقابل، این کروکشیها، این قدرت طلبیها قابل درک و قابل تصور نیست، بویژه که هر نوع ریشه سیاسی یا طبقاتی آن انکار می شود و در نتیجه عملاً بیشتر به یک دعوی برجنگال بر سر ارتش شاهیست که می کند و لذا نمی توان آنرا تبادل نظر و حتی اختلاف نظر، بیان عقیده بقیه در صفحه ۲

وظایف مجلس شورای اسلامی

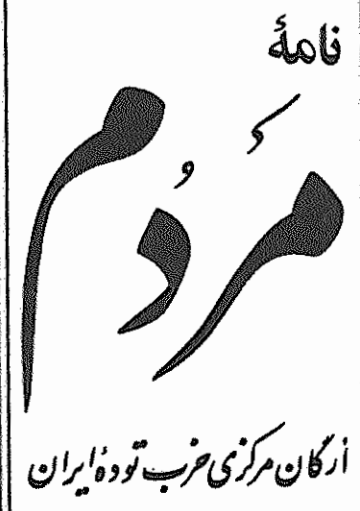
نکته اساسی و ضروری به هیچ وجه کافی نیست. رئیس مجلس نیز با توجه به لزوم تغییر بنیادی در شیوه فعالیت و طرز اداره، مجلس بود که متذکر گردید، که آئین نامه موجود مجلس تحت تأثیر آئین نامه گذشته نوشته شده است و اظهار امیدواری کرد که وقتی آئین نامه موجود مورد بررسی مفصل قرار گیرد، تغییرات اساسی در آن داده شود.

در این ارتباط تأیید است به ویژه به مبارزه علیه بوروکراسی و فرط بازی توجه لازم معطوف گردد، تا سرعت عمل انقلابی قوه مقننه به حد اکثر نامن شود و این سرعت عمل به نوبه خود نموداری برای دیگر قوای مملکتی، از جمله برای قوه مجریه، یعنی دولت جمهوری اسلامی ایران در تسریع انجام وظایف خطیر خویش و پیاده کردن برنامه های نو سازی بنیادی جامعه ایران گردد.

مجلس شورای اسلامی ایران وظایف بس خطیری در قبال انقلاب شکوهمندمان دارد، که اهم آنها در لحظه کنونی کمک به تشکیل دولت جمهوری اسلامی ایران و تصویب برنامه آنست.

در مصاحبه اختصاصی که چند روز پیش، رئیس مجلس، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، با روزنامه جمهوری اسلامی داشت، به بعضی از این وظایف اشاره شده است.

بخشی از وظایف مهم مجلس شورای اسلامی ایران مربوط به خود مجلس، شیوه کار و طرز اداره آنست. مردم رزمنده ایران به حق انتظار دارند که فعالیت این مجلس، که مولود انقلاب شکوهمند ایرانست، با عملکردهای مجلسهای زمان طاغوت از ریشه و بن فرق داشته باشد. این امر نه تنها در ترکیب مجلس، بلکه همچنین در شیوه کار و نحوه اداره این ارگان مقننه باید منعکس گردد. البته باید استقلال رای و بینش انقلابی ضرورتین مشخصه مجلس شورای اسلامی ایران باشد. اما این



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۵۵
دوشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۵۹، تک شماره ۱۵ ریال

ملاقات قاسملو با بختیار

دراواخرنبرماه (حدود ۲۸ تیر)، قاسملو در محلی بنام "قلعه دیزه" در عراق، با بختیار خاکن ملاقات و مذاکره داشته است. در این ملاقات قاسملو و بختیار بر سر چگونگی سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران، کنش و توافق کردند.

ملاقات و مذاکره این دو مرد در برابر هماسک کردن توطئه ها بشان علیه انقلاب ایران، جمهوری اسلامی ایران و خلق کرد، شکستی بر نمی نگیزد. هم قاسملو و بختیار را بحال بخوبی به وظایف محوله خود در این جهت عمل کرده اند. اولی تلاش جهت کشتن نندن خلق کرد به جنگ با جمهوری اسلامی ایران و دومی با تلاش جهت بزی کردن یک کودتای خونین و کشتار تا ده میلیون نفر از مردم ایران و سازماندهی توطئه های رنگارنگ دیگر. هر دو عامل رسوا و سرسپرده آمریکا و هر دو دشمن سوگند خورده مردم ایران و انقلاب اند. گفتگو و مذاکره این دو برای تدارک توطئه های خاکن تا دیگر کنش اقدامی در همین جهت است.

اما جالبست ببینیم که قاسملو و همفکران وی، که مدعیند برای کسب حقوق حقه خلق کرد "مبارزه می کنند، چه جایی برای حقوق خلق کرد در مذاکره و ملاقات با بختیار راجنا یکنار هم هستند و اینرا چگونه به خلق کرد توضیح میدهند؟ جالبست ببینیم که خلق کرد، که خود سهم خویش در بیرون راندن بختیار را این بی اختیار امپریالیسم آمریکا، نقش نمایان داشته است، در مورد دیگر سرگردان بی اختیار امپریالیسم چون قاسملوها، که می گویند دشمنان خلق کرد را بر طریقی دیگر به درون آورند، چه خواهد کرد؟

بیکمان قاسملو، این عامل بعست عراق، ناتوا امپریالیسم آمریکا، که ردیالانه به خلق کرد دروغ می گوید و خنجر خیانت در پشت سر او تیز می کند، سر نوشتی بهتر از بختیار، محمدرضا و... نخواهد داشت.

اوباشان قاسملو به دفتر حزب توده ایران در مهاباد حمله کردند

در پی افشاکری "نامه مردم" در مورد وابستگی قاسملو به جناحیتکاران بعثی عراق، اوباشان گروه قاسملو، که از زخم دیوانه شده بودند، در تاریخ ۱۷ مرداد ماه ساعت ۱۱/۳۰ صبح، به دفتر حزب توده ایران در مهاباد حمله کردند و پس از ضرب و ستم عده ای از اعضای حزب توده ایران، وارد دفتر شدند، کتابها و علامه های موجود را به آتش کشیدند، میزها و صندلیها و دیگر وسایل را غارت کردند و به خانه های خود بردند. در جریان هجوم اوباشان، سه تن از رفقای ما بناهای قاسم خوشی، مصطفی شانی و قاسم بقیه در صفحه ۸

راديوهای ضد انقلابی بختیار و اویسی

(سنگ زرد و شغال در خدمت يك هدف شیطانی)

نوشتم که توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران چند جانبه است و بعدهای مختلف را در بر می گیرد. نوشتم که تئوری امپریالیستی حرکت بر روی دوپا - لیبرالیسم و مانوئیسم - به نحو امریکائیسازانه ای علیه جمهوری اسلامی ایران دارد پیاده می شود. نوشتم که دو پای دیگر امپریالیسم آمریکا "سوسیال دمکراسی بختیار" و "فاسیسم نظامی اویسی - بالیزبان" است و هر روز شاهد نمونه های مختلف این واقعیت هستیم.

هجوم تبلیغاتی از راه راديوهای با نام "ایران" و در واقع صد درصد امریکایی، یکی از بعدهای توطئه است. در این بعد هم امپریالیسم آمریکا همه تخم مرغها را در یک سبد نمی گذارد و به خیال خودش می خواهد روی هر دو پا راه رود. راديوهای ضد انقلابی با بول امریکایی، هر یک قیافه ای برای خود می گیرند و می گویند خود را جزا از هم ولابد "مستقل"! جا بزنند.

یک راديوی ضد انقلابی به ظاهر صدای بختیار است و جانب دار سوسیال دمکراسی، یعنی از نوع همان حکومت های امپریالیستی برخی از کشورهای اروپای غربی را وعده می دهد که در واقع نه اجتماع گرا هستند نه خلق گرا، و کمترین رابطه ای نه با سوسیالیسم دارند نه با دمکراسی و برخی از دولت مداران ما امیدی به آنها بسته اند، ولی هنر اصلی آنها اینست که با بنه سر می برند. زیر این شکل راديوی ضد انقلابی مزبور محتوی نقشه براندازی آمریکا را تعقیب می کند و بی چون و چرا دشمن انقلاب و مردم ماست. بی اختیار مسزود خائنی چون بختیار در تقسیم کار امپریالیستی هجوم تبلیغاتی است.

یک راديوی ضد انقلابی دیگر به ظاهر صدای اویسی است و جانب دار حکومت قوی و مشیت نیرومند مرد ارنتی (!) یعنی از نوع حکومت های نظیر سرهنگان سپاه یونان یا کودتا گران که امریکای لاتین یک دوجین آن را به معرض تماشا گذاشته و وعده می دهند که گویا آرامش و امنیت و ثبات را به همراه خواهند آورد. این راديوی ضد انقلابی هم همان محتوی نقشه توطئه براندازی آمریکا را منتهی به شکل دیگر به انجام می رساند و درست مانند همزادش دشمن انقلاب و مردم ماست و صد البته کمترین رابطه ای با راس و امنیت و ثبات واقعی ندارد، زیرا که بقیه در صفحه ۲

تدارکات نظامی آمریکا در خلیج فارس گسترش می یابد

است در ظرف ۴۸ ساعت، ۸۰۰ نفر جنرال از لسکر ویژه هوایرد ۸۲، در هر منطقه ای از خاور نزدیک و میانه پیاده کند.

از پیش از توطئه نافرمام طیس، در منطقه خلیج فارس، سنگه هرمز و اقیانوس هند ۲۵ ناو جنگی و دو ناو هواپیما بر استقرار دارند، که حامل واحدهایی از تفنگداران دریایی، ۱۲۵ فانتوم، ۱۰۰ تانک و در حدود هفتاد هلیکوپتر هستند. به گزارش تلویزیون "ای. بی. سی." آمریکا، کاخ سفید و پنتاگون، یک هفته پس از "طیس"، طرح های جدید توطئه و مداخله نظامی آمریکا را علیه ایران بررسی و دستور اجرای آنها را دادند. حاصل نقشه کودتای ۱۸ تیر بود، که در برتو هوشیاری نیروهای انقلابی عقیم ماند، اما دسیسه کاران "پنتاگون"، به سرکردگی برزینسکی هار، را از بی گبری توطئه های خود برای براندازی جمهوری اسلامی ایران و شکست انقلاب ایران باز نداشت.

مرحله جدید این توطئه هم اکنون با تقویت و گسترش تدارکات جنگی و واحدهای تازه دریایی و هوایی آغاز شده است. چنان که چند روز پیش خبر دادیم، به گفته یک سخنگوی "پنتاگون"، ایالات متحده آمریکا بار دیگر یگان هایی از نیروی دریایی خود را، مرکب از ۱۸۰۰ تفنگدار، به اقیانوس هند گسیل داشته است و قرار است که واحدهای نامبرده در مانورهای ناو گروه عظیم آمریکا، که اینک در سواحل ایران در خلیج فارس در جریان است، شرکت ورزند. ظاهرا این مانور، کام دیگریست برای پیش برد نقشه مباران هواپیمایی و اشغال نظامی مناطق جنوب، پیاده کردن تفنگ داران دریایی و واحدهای ویژه سروکوب و ایجاد سر بل تجاوزی با کمک عناصر ضد انقلابی درون کشور. دولت بعثی عراق نیز با عملیات تجاوزکارانه خود در نواحی مرزی باختری و جنوب ایران، نقش برجسته ای در این توطئه بازی می کند.

از سوی دیگر همه "مغزها" و دستگاه های جنگ روانی امپریالیسم به کار افتاده اند و با نشتر اکادیمی، که آخرین نمونه آن را چند روز پیش به نقل از "فاینشال تایمز" خبر دادیم، می گویند تا با علم کردن دشمن ساختگی و بی بینی "حمله" اتحاد شوروی به ایران، اذهان را از نقشه های بلید خویشان منحرف سازند.

باید با هوشیاری کامل این نقشه طرح ریزان پنتاگون را نیز رسوا کرد و افکار عمومی جهان را به مقابله با خطر نظامی پنتاگون در سواحل و آب های ایران برانگیخت.

اقیانوس هند و خلیج فارس سالهاست که به بست موقعت استراتژیک و نظامی خود، نقش برجسته ای در سیاست جهان سمول امپریالیسم، به برکردگی امپریالیسم آمریکا، بازی می کنند.

برایالیسم آمریکا همواره کوشیده است، تا با حضور ظامی خود و خوش خدمتی زاندارم هایش در این منطقه، به ادعای خویش به حفظ به اصطلاح منافع، ود ببردازد، و در واقع شرایط ادامه چپاول منابع بنی کشورهای منطقه را فراهم آورد. به اصطلاح افع امپریالیسم آمریکا در سواحل جنوبی کشورما چنین مقابله با جنبش های آزادی بخش ملی، به رة انقلاب ایران را در بر می گیرد.

سرنوشتی رژیم شاه نه تنها پایه های سلطه تصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا را در پهن ما ریشه کن کرد، بلکه هم چنین به منزله نوط سرزانداری پنتاگون در منطقه بود. به همین دلیل نیز آمریکا پس از بیروزی انقلاب ایران، تلاش بد را برای یافتن مواضع جدید استراتژیکی شدت بسید و به تحکیم شبکه گسترده پایگاه های نظامی بد دست یازید. پنتاگون، که از نخستین لحظات از بیروزی ۲۲ بهمن، اندیشه بازیابی سنگر ای از دست داده را در سر می پروراند و سیاست امحه آمیز و سازشکارانه "دولت موقت" نیز آن را تحقق این آرزو تشویق می کرد، خلیج فارس را یکی از مهم ترین حلقه های زنجیر محاصره ضد لابی خویش میدل ساخت.

چنان که ناخدا یکم بهرام افضلی، فرمانده وی دریایی ایران، در مصاحبه ای با "کیهان" نبه ۱۸ مرداد ۱۳۵۹) به درستی یاد آور شد:

"هدف اصلی آمریکا از حضور این چنین گسترده یگان در منطقه، دو اصل کلی است: یکی جلوگیری گسترش انقلاب اسلامی ایران به کشورهای هم ر و دوم به خاک و خون کشیدن انقلاب ایران".

امپریالیسم آمریکا به راستی از این که دیگر های منطقه، به ویژه جنبش آزادی بخش کشور عرب، با رهایی از بند رژیم های دست نشانده با و دیگر امپریالیست ها، ضربه های سهمگین ری بر بیکر شومش فرود آورند و چپاولگری را بخشی دیگر از جهان محدود سازند، به وحشت افتاده است. از سوی دیگر، تعمیق انقلاب ن و اندیشه از دست دادن ایران برای همیشه، ا به تلاش دیوانه واری واداشته است.

لشگرکی مستمر پنتاگون به خلیج فارس و وس هند بخشی از سیاست انقلاب شکنانه کاخ نشینان است. هارولد براون، وزیر دفاع ت متحده آمریکا، چندی پیش در مصاحبه ای عاتی با نشریه "یو. اس. نیوز اند ورلند" اظهار داشت که، در سال های آینده ک، دولت آمریکا هر ساله ۵ میلیارد دلار برای حات و واحدهای نظامی مستقر در منطقه، م فارس تخصیص خواهد داد. ژنرال کرلی، ده "سپاه واکنش سریع" اعلام داشت که قادر

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

حجت الاسلام رضوانی نماینده امام در یادگان نوزه: آمریکادست از توطئه بر نمی دارد و حالاهم دست اندر کار توطئه است

حجت الاسلام رضوانی، نماینده امام در یادگان نوزه، در یک گفتگوی رادیویی، که در روز چهارشنبه ۵/۱۵ بخش گردید، نظر خود را راجع به توطئه کودتای آمریکایی بیان داشت. حجت الاسلام رضوانی گفت:

"من یقین دارم که با توجه به موضع خاص ضد امپریالیستی انقلاب ایران، مخصوصاً ضد امپریالیستی آمریکا که در رابطه با ایران و آن نقشه نظامی اش دچار یک شکست بسیار بزرگ جهانی شد و اقتضای بسیار بزرگی را استقبال کرد، دست از توطئه بر نمی دارد. و حالاً هم دست اندر کار توطئه است. من فکر می کنم که چون کشور عراق، این صدام کثیف خود مزدوری است، از وجود این و از این که حکومتش در دست اضحلال است و ارتش او در دست متلاشی شدن، بخواهد این جا را به صورت یک منطقه ناامن در بیاورد، تا منطقه خودش از خطرهای احتمالی این منطقه محفوظ بماند، و آمریکا از این مجال و فرصت سوء استفاده می کند و چه بسا آمریکا با سوء استفاده از عراق و یا بعضی از این عوامل تحت استعمار خود یک نقشه هایی را پیدا کند. ملت ایران باید همیشه آماده باشند و پرسنل پایگاه هم باید همیشه مهیا باشند و الا حتی در سخن رانی همین امروز ظهر، من به پرسنل اعلام کردم که صد درصد در همه وقت آماده باشند و هر زمان این احتمال را بدهند که دشمن در حال پیاده کردن نقشه است و اینها درصد خنثی کردن نقشه و توطئه باشند."

حجت الاسلام رضوانی در مورد توطئه طیس و ارتباط این توطئه با توطئه پایگاه نوزه گفت: "گزاره های آمریکا یک گزاره های زنجیرهای است. ما دیدیم که در توطئه طیس هم دست خائنین ارتش در کار بود. ما در جریان طیس، برنامه مهرآباد و غیره را فراموش نمی کنیم. ما متاسفیم که چرا هنوز هم شاد صبر مانده است. ما متاسفیم که چرا باقری را هنوز نگه داشته اند. و حتی از باقری دفاع می شود. من اعتقاد این است که در قضیه طیس، که توانستند از خائنین ارتش سوء استفاده کنند و در این قضیه هم توانستند به این علت که در قضیه طیس خائنین تعقیب نشدند و ماندند، آنها جرات و جسارت پیدا کردند. حالا که در مملکت هیچ خبری نیست، پس ما انجام بدهیم. این قضیه دوم نتیجه جرات قضیه اول بود. در قضیه اول کدام عامل دستگیر شد؟ چرا عامل بعب باران آن هلیکوپترها، چرا عامل قتل آن پاسدار تعقیب نشدند؟ چرا مردم را در جریان این مسایل قرار ندادند. اعتقاد من این است که ایران زمان شاه را، که همه در رابطه با خیانت به مملکت امیر شدند، این امیرها را کنار بگذارند. این امیرها خدمت نخواهند کرد. اگر خیانت نکنند مزدورند. حالاً مزدور خودی اند، اگر مزدور بیگانه نباشند. من اعتقاد این است که این امیرها را بردارند. این امیرها هیچ کدام آن ها خدمتی به این مملکت نخواهند کرد."

س - در مورد واقعه طیس آیا رخ دادهایی در این پایگاه بوجود آمد که نشان دهنده جریانی با آن واقعه باشد؟

حجت الاسلام رضوانی: "بله، حتی یک زنی که ما جقدر گفتیم که او را تعقیب کنند و تعقیب هم نکردند، گفته بود: "من یک خوابی دیدم و خوابم این است که تا روز جمعه انقلاب ایران شکست می خورد" و به تعبیر او: "خمینی هم ازین می رود و شاهنشاه هم تشریف می آورند و اگر هم اینطور نشد، دست من را قطع کنید". البته تا به حال دستش قطع نشده و از رادار هم مطالبی گرفته شده بود، که آن مطالب بیانگر این بود که نقشه هایی در دست اجراست، توطئه هایی در دست انجام است. اما اینها چون رابطهای نداشتند، نمی توانستند بفهمند که این مسایل و این قضایا در چه رابطهای مطرح می شود و در خود پایگاه هم گفتگو هایی هم بود که: "بله می آیند" و یا "اگر این حکومت آخوندها پایان نپذیرفت..."

یکی از برنامه هایی که برای اجرای این توطئه می کردند این بود که من از پایگاه بروم بیرون و یکی از کسانی که نقش موثر داشتند تیمسار باقری بود. و این دلیل بر اینست که تیمسار باقری دارای نقش مهمی در بوجود آوردن این توطئه بوده. من نمی دانم چرا هنوز هم هست و از حمایت می شود."

س - در مورد عواملی که در این جا اشاره نمودید، در این پایگاه، آیا اینها شناخته شده اند یا نه؟

حجت الاسلام رضوانی: "البته این کسانی که

س - از نظر شما چرا اقدامی نمی کنند؟
حجت الاسلام رضوانی: صرفاً سهل انگاری و شاید باور نکردن به انقلاب برای بعضی از آن سرمدارها. البته نه مسئولینی که الان مسئولین مهم مملکتی هستند، چون آنها احساس مسئولیت می کنند، ولی شاید خوش باور باشند."
س - خیلی متشکر از این توضیحاتتان. در آخر می خواستم از شما بپرسم اگر اطلاع دارید درباره انگیزه و دلیلی که باعث شد این افراد توطئه گر در این توطئه شرکت کنند، برای ما توضیحاتی بفرمایید؟

حجت الاسلام رضوانی: "علت اساسی اش این بود که اینها از انقلاب اسلامی ایران ضربه بسیار مهمی خورده بودند، خیلی از امتیازاتشان را مانند داشتن گماشته و عیاشی و بی بندوباری و فساد و تباهی، و اینها این امتیازاتی را که آنها برای خودشان امتیاز فرض می کردند، از دست دادند. و اینها برای بازیافتن یک چنان آزادی در بی بند و باری دست اندر کار تلاش هستند، از اینکه در جمهوری اسلامی بخواهند افرادی منزو و پاک باشند رنج می برند، از اینکه آزادی برای عیاشی و کباباره، اینها عکس هایی از همین افسران دستگیر شده هست که با زنیهایشان قبلاً در این باشگاهها چه می کردند. هنوز عکسهایشان را ما داریم. ماسک می زدند و همه مرد و زن درهم می ریختند و همه از هم استفاده های نامشروع می کردند. اینها را از دست دادند. ناراحتند. حالا یک برنامه پیش می آید که احتمال می دهند و یا یقین دارند که اگر یک برنامه آن جنائی پیش بیاید، در آن برنامه این بی بند و باریها تأمین می شود و آنها هم در بی بند و باری شرکت می کنند."

س - با در نظر گرفتن این مطالب که اکثر این افرادی که در این توطئه شرکت داشتند تا قبل از توطئه مصادر اموری بودند و انجام وظیفه می کردند به ظاهر برای جمهوری اسلامی و با توجه به این مطلب که اینها در سالهای دراز زیرافکار شاهنشاهی و طاغوتی بودند، آیا شما چه پیشهادی می کنید برای ساخت دوباره این افراد؟ و یا بازسازی ارتشمان؟

حجت الاسلام رضوانی: من اعتقادم بر این است که ارتش از نظر مکتبی باید رویش بسیار کار شود. باید در بین پرسنل مختلف نیروهای مسلح کلاسهای توجیهی از نظر انقلاب بگذارند. اینها هنوز انقلاب را نمی فهمند. اینها در آغوش امواج انقلاب قرار گرفتند. بعضی تسلیم شدند با رضایت، بعضی تسلیم شدند با زور، بعضی ناچار شدند به تسلیم. و اینها بسیارشان انقلاب را باور نکردند، و اگر انقلاب را قبول کردند، انقلاب را شناختند. باید از نظر مکتبی کار زیادی شود و عناصر فاسد ارتش هم تصفیه بشود، یعنی ارتش درس تصفیه خیلی صورت بگیرد و ملاحظه این نکند افرادی که متخصصند حالا فاسد هم باید باشند. برای این که اینطور نیست که بعضی از کارها طوری باشد که از عهده دیگری بر نیاید. و اگر چنین افرادی را هم بخواهند نگهدارند، باید روی دست آنها مراقب بگذارند و اگر تصفیه، از طرفی تصفیه آگاهانه، تصفیه حساب شده، با همه آئینده نگری انجام بگیرد و از نظر مکتبی هم روی ارتشیها کار شود، در بازسازی ارتش نقش بسیار موثری دارد. و باضافه این لازمهاش اینست که نهادهای رژیم طاغوتی را، که بر مبنای تبعیض هست، در ارتش و تبعیض در حد فراوانی در ارتش هست، این را از بین ببرند. الان در ارتش ما هم گروه گرایی پیدا شده، هم تبعیض. اگر مکتب اسلام را، آن گونه که هست، پیاده کنند و اختلافاتی را که در بین برداشتهای سران این قوم هست از بین ببرند، یک ارتش مکتبی از سویی بسازند، مسئولین هم کار کنند تا ایجاد بدبینی در بین ارتشیها نشود و نهادهای طاغوتی را از بین ببرند و تبعیض را، تبعیض را که از همه چیز مهمتره از بین ببرند، این ارتش بازسازی خواهد شد و در خدمت اسلام و ایران خواهد بود."

س - از نظر شما، آیا تا زمانی که این ارتش به این ترتیب که شما فرمودید، یعنی بازسازی مکتبی و همینطور تصفیهها، تا زمانی که این تصفیهها صورت نگرفته، آیا می توان تکیه کرد به این ارتش؟

حجت الاسلام رضوانی: من اعتقادم بر اینست که بر کل ارتش نباید تکیه کرد، اما ما مومنین که نیروهای انقلابی در ارتش حافظ منافع این مملکت خواهند بود."

تشدید گرایشهای فاشیستی در اسرائیل

کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل چندین بار پیش هدا ردا دکه، نشانه های جدی گرایش های فاشیستی اسرائیل را تهدید می کند و همه احزاب کا رگری و نیروهای سیاسی آزادی خواه و صلحدوست آن کشور را فراخواند، تا با اتحاد عمل خود، در راه پیشگیری از خطر فاشیسم کوشا باشند. قطعاً ما سیاسی پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل، که از جمله فراخوان نامبرده راهبر میگیرد، می افزاید:

رژیم اسرائیل، بویژه دولتست لیکود، که نماینده بورژوازی بزرگ و افراتیون راستگراست، کشور ما را در بحران اقتصادی و اجتماعی زرف غرق کرده است. در حالیکه قشرهای وسیع زمینگان هرچه بیشتر در فقر و فلاکت زندگی میگذرانند سرمایه داران داخلی و خارجی به سود هنگفت خود می افزایند. از سوی دیگر، آزادی های دمکراتیک هر روز محدودتر می گردد.

رژیم لیکود، برای آنکه به اشغال مناطق عرب نشین ادا مدهد، هرچه بیشتر به روشهای وحشیانه دست می یازد. برای نمونه، میتوان از برقراری حکومت نظامی، منع عبور مرور، مجازات گروهی، تبعید فلسطینی های نامدار، و سران کردن خانه ها، توقیف اعمال بیون دانش آموز، دانشجو، کارگرو حتی کارفرما، نام برد. در برتوحامیت نیروهای اشغالگر و دولت بگین، باندهای فاشیستی به ارباب سکنه فلسطینی می بردا زندو آنها را بسه بیرون راندن از سرزمین با واجدا دیشان تهدید می کنند. سه قصبه شهردا ران نابلس رمله والبره از دیگر دسیسه های جنایت کارانه این عناصر مربود سیاست توسل به قهر هرچه بیشتر به داخل اسرائیل نیز سرایت می کند. روزی نمی گذرد که در دانشگاه های اسرائیل، عناصر شوونیست و تروریست به اعراب و دانشجویان بهبودی مترقی حمله ور نشوند. در رسانه های گروهی اسرائیل از صبح تا شب شهردا رهای دمکرات و شخصیت های اقلیت فلسطینی - عربی را، که هرچه باشد ۱۶ درصد سکنه اسرائیل را تشکیل می دهد، به باد دشنام می گیرند. جندی است که مسئولان حزب کمونیست اسرائیل و اسرائیلی های مترقی بار دیگر دچار تضییقات و محدودیت های گوناگون، از جمله منع سفر، بازداشت و مراقبت پلیس می شوند. کمونیست ها، شخصیت های مترقی نمایندگان کشت، وکلای مدافع و روزنامه نگاران که به ادا نقاشی در رژیم اشغالگر می پردازند، از سوی باندهای تروریستی - فاشیستی با مصلح مخفی به بمب گذاری، ضرب و شتم و حتی مرگ تهدید می گردند. چندی پیش یکی از این گروه های اوباش به دفتر حزب شلی، یکی از احزاب چپ اسرائیل، در تل آویوهجوم برد، آنرا ویران ساخت و درودیدو را را به شاعرهای فاشیستی آلوده کرد."

قطعاً ما پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل گفته شارون، وزیر کنا و روزی، را باید دور می شود که، برای او امنیت برتر از قانون اساسی است. این گستاخی حتی معاون نخست وزیر و مدرحزب لیبرال، سیمچا رلیش، را به واکنش وادا رکرد. وی گفت که بدین ترتیب باید بیستم آن را داشت که مسادا ژنرال شارون و عوانش بزودی مخالفان سیاسی و از جمله خودا ورا نیز به اردوگاه های فاشیستی بیا نازند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل تصریح می کند که با ید متحد و پیگیر به بیکار علیه فاشیسم بیاخت است. بموجب رزیابی حزب کمونیست اسرائیل، پایگاه دولت لیکود در میان مردم اسرائیل هرچه بیشتر محدود میشود و هر روز گروه بزرگتری از مردم از خواست حزب کمونیست، مبنی بر کناره گیری دولت ضدکا رگری و جنگ افروزی بگین، پشتیبانی می کنند. عامل نامبرده و افراد فزاینده رژیم لیکود در صحنه بین المللی چشم انداز نوبدبخشی را برای مبارزه در راه اسرائیلی ملح جوود دمکراتیک پدید می آورد.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلان و محترمان است

گذری به روستا

سینجان و مشکلاتش

روستای سینجان، با ۱۴ هزار نفر جمعیت در ۵ کیلومتری جنوب غربی اراک (در کنار جاده اراک ملایر) قرار دارد. اکثر اهالی این روستا کشاورزانند و زمینهای آنرا در کنار راه آبی که در سال ۱۳۰۰ میلادی حفر شده است، مساحت زمینهای زیر کشت به نسبت جمعیت کم است و تعداد زیادی از اهالی بدون زمین هستند و ناچارند با بستن آنها جهت دستیابی به کار، راهی اراک شوند.

مشکلات اهالی یکی دوتا نیست آنها از نبودن حمام بهداشتی (تنها حمام روستا خزینهاست) و درمانگاه در مضیق هستند. در روستا تنها یک مدرسه و آنهم فقط تا بنجم ابتدایی وجود دارد، واکردنشان آموزان بخوانند تحصیل را ادامه دهند، مجبورند به اراک بروند. از وضع کتا و رزی جویا می‌شویم. پیر -

مردی می‌گوید: "اکثر کتا و رزان خرده مالکند، ولی تعداد خوش نصیبان هم زیاد است." یکی از روستائیان درباره وضع آب می‌گوید: "آب زراعتی از قناتی که لارویی ننده تا مین می‌شود، زیرا ما قدرتش را نداریم و دولت با بیداری زمین به ما کمک کند."

پیرمردی که تازه از راه رسیده، می‌گوید: "باغ تخته‌شا (منظور باغ عمومی است) از بی آبی دارد خشک می‌شود، اگر بفرکش نباشند زمین می‌برد. همگی دهقانان از دست واسطه‌ها ناانند. یکی از آنها می‌گوید: "اگر دولت محصولات ما را بخرد، هم ما راحت می‌شویم و هم مصرف کننده."

کراتی بردوش این زحمتکشان سنگینی میکند، یکی از آنها می‌گوید: "یک کیسه کود ۴۵ تومانی را ۹۰ تومان خریده‌ام. اگر شرکت تعاونی داشتیم می‌توانستیم این مواد را به قیمت اصلی شان بخریم."

آنها بحق از دولت انقلاب انتظار دارند که برای تشکیل تعاونی به آنها کمک شود و جهت خریدوسایل تولیدیه آنان وام بپردازد.

لازم است شورای ده تشکیل شود، تا هر چه فوری‌تر به مشکلات روستائیان سینجان رسیدگی کند. روستائیان برای دریافت کمک و همکاری از مقامات دولتی و برای حفظ اتحاد و همبستگی، باید شوراهای واقعی خودشان را بوجود آورند. شورای ده می‌تواند نماینده بیری در زمینه فراهم کردن وسایل رفاهی و همچنین کمک به ایجاد تعاونیها، با اختیارات دولتی و شورایی که دارد، دست واسطه‌ها را کوتاه کند.

همچنین دهقانان تهی دست باید با تشکیل در کمیته‌ها و یا اتحادیه‌های دهقانی خود را برای اجرای قانون واگذاری زمین به دهقانان تهی دست آماده کنند و به کمک هیئت ۷ نفری و نهادهای انقلابی بشناسند و بدین طریق با شکل خودبستوانه اجرای دقیق و موثر تیک قانون شوند.



سرک از جیب‌هایی که در جیره این دهقان نقش گرفته، محصول سالها زحمت و رنج است. ده‌ها هخوره - خرمشهر

در اجرای خواست دهقانان تعلل نکنید

روستای "تخته"، از بخش اورا مانات شهرستان سنندج است. اکثر اهالی این روستا راهقانان تهیدست تشکیل شده‌اند. (تعدادی از اهالی نیز صاحب باغ هستند.) به همین علت اکثر جوانهای این روستا جهت کار به شهرهای صنعتی روی می‌آورند.

کمبود آب زراعتی و آسایشی و نبودن زمین، جاده، مدرسه، درمانگاه و دیگر وسایل ابتدایی رفاهی، روستائیان را سخت در مضیق قرار داده است. روستائیان - ثانی، که با جان و دل در انقلاب شرکت کردند، انتظار داشتند که دولت انقلاب به خواسته‌های آنان رسیدگی کند. اما تاکنون فقط تعلل شده است. دهقانان بی زمین این روستا تاکنون جهت رسیدگی به خواست‌های شان و مطالبه آب زراعتی و دیگر خواسته‌های رفاهی، به مقابل دارت دولتی رفته‌اند و شکایت دسته جمعی خود را به مقامات مسئول ارائه کرده‌اند.

از خواسته‌های مهم کتا و رزان احداث جاده است، زیرا این روستا در پشت کوه قرار دارد و هیچ وسیله نقلیه‌ای قادر به رفت و آمد به این روستا نیست. تا بحال چندین بار اهالی به مقابل اداره راه و ترابری رفته و خواستار حل این مشکل شده‌اند، اما متأسفانه کار هنوز به اتمام نرسیده است.

ایجاد دبستان و خانه بهداشت، خواست دیگر اهالی "تخته" است. دهقانان معتقدند که دولت قادر است با حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق و واگذاری موتورهای آب، جهت بهره برداری از این چاه‌ها، یکی از عمده مشکلات آنها را حل کند. همچنین با احداث جاده و دبستان و تحقیق بخشیدن به دیگر خواسته‌های رفاهی روستائیان، به آنان یاری رساند.

اتحاد خلقهای مسلمان بر ضد امپریالیسم

جلوگیری از وجود آمدن این پایه‌ها بیش از هر چیز دیگر موثر است. سلطه امپریالیسم، بخصوص امپریالیسم امریکا در اکثر کشورهای اسلامی است. امروز جز چند کشور اسلامی، مابقی تمام دنیای اسلام تحت سلطه مستقیم و یا غیر مستقیم دولتهای امپریالیستی است. و به همین دلیل است که اغلب دولتهای اسلامی: مصر، عراق، پاکستان، عربستان سعودی، ترکیه، شیخ نشینهای خلیج فارس، عمان، بحرین و... اکنون بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران موضع گرفته‌اند و با امپریالیسم امریکا بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران همکاری می‌کنند. و این درحالیست که همه آنان سک "اسلام" را نیز بسینه می‌زنند. پادشاه عربستان سعودی خود را بر جدار "اتحاد اسلام" میدانند، ولی کشور خود را به پایگاه نظامی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرده است. انور سادات و ضیاء الحق و ملک حسن و ملک حسین و... هم خود را پیش از امام خمینی حافظ اسلام میدانند و همه در توطئه امپریالیسم امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، که بنیانگذار آن امام خمینی است، شریکند.

شعار اتحاد اسلام نیز مانند خود "اسلام" در تمام تاریخ محتوای طبقاتی داشته است. روزگاری بود که شاهان عثمانی برای حفظ سلطه خود بر خلقهای عرب و کرد، "اتحاد اسلام" را بر جرم خود کرده بودند. سیدجمال الدین اسدآبادی در شعار "اتحاد اسلام" مضمون ضد استعماری داخل کرد، اما او نیز تنها در اواخر عمرش درک کرد که اتحاد خلقهای مسلمان را بدون مبارزه با طبقات حاکم نمی‌توان تأمین کرد. در آن دوره، خلقهای مسلمان نه تنها در جنگل استعمار، بلکه همچنین در دست فتواید الهیاز سربو بودند. در جهان نیرویی وجود نداشت که از مبارزه خلقها بر ضد استعمار و فئودالیسم پشتیبانی کند. امروز در جهان وضع دیگری حکمفرماست. سیستم سرمایه داری در بخش بزرگی از جهان فرو ریخته است و بجای آن نظام سوسیالیستی برقرار شده است. خلقهای جهان، از جمله خلقهای مسلمان، میتوانند با پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی، مبارزه خود را در خارج با امپریالیسم و در داخل با سرمایه داری با موفقیت بشس ببرند و شرایط لازم را برای اتحاد خلقهای مسلمان، که در بین آنها علائق مادی و معنوی فراوانی وجود دارد، فراهم سازند.

کسانی که منافع "ملی" کسوری از کشورهای اسلامی را در برابر منافع "ملی" سایر کشورهای اسلامی قرار میدهند و چون بنیان خاش عراق بر سر ایران انقلابی بمب و خماره می‌ریزند و یا چون شاه خائن و پیروانش سیاست نزدیکی با پاکستان و ترکیه را به مهیانه رویارویی با "ناسیونالیسم عرب" در پیش می‌گیرند، در حقیقت چاکران سرسپرده امپریالیسم هستند. منافع ملی خلقهای مسلمان ایجاب می‌کند که همه در جبهه واحدی بر ضد امپریالیسم خونخوار مبارزه کنند. ادامه بگیرایین مبارزه ناگزیر با مبارزه علیه استعمار و سرمایه داری در داخل هر کشور توأم خواهد بود. اتحاد کشورهای اسلامی بر پایه مبارزه بر ضد امپریالیسم و علیه سرمایه داری، نه تنها از نظر منافع ملی هر یک از این کشورها، بلکه همچنین بلحاظ نقش بزرگی که میتواند در تضعیف امپریالیسم در سراسر جهان و رهایی سایر خلقهای اسیر داشته باشد، از اهمیت عظیمی برخوردار است.

میهن ما اکنون در نخستین صف این مبارزه جای دارد. خلق قهرمان ما بخوبی درک میکند که مبارزه‌اش بر ضد امپریالیسم امریکا تنها بسود خودش نیست و اهمیت جهانی دارد و به همین دلیل نیز تمام دشواریهای این مبارزه را با روی گشاده تحمل می‌کند. بیروزی ما با امپریالیسم امریکا، بزرگترین دشمن بشریت، چهره تمام منطقه را درگون خواهد ساخت، رژیم‌های وابسته به امپریالیسم امریکارا تضعیف خواهد کرد، راه را برای پیروزی انقلابهای مردمی و ضد امپریالیستی در کشورهای اسلامی هموار خواهد نمود. کشورهای اسلامی ضد امپریالیست را تقویت خواهد کرد. و پایه‌های ضرور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای اتحاد واقعی کشورهای اسلامی را فراهم خواهد ساخت.

روح پیام امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به ما نسبت روز قدس، برای اتحاد خلقهای مسلمان همین است.

از روزی که سیدجمال الدین اسدآبادی، مبارز سر سخت علیه استعمار انگلستان، ندای اتحاد اسلام را سرداد، بیش از صد و اند سال می‌گذرد. از آن زمان تاکنون شاگردان مکتب وی بارها برای احیای اندیشه‌های او کوشیده‌اند. اندیشه اتحاد اسلام هرگز از این اندیشه جدا نبوده است که: جراح خلقهای مسلمان پس از آن همه شکوه تمدن اسلامی به روز بیچارگی افتاده و دزدست قدرتهای سلطه‌گر اسپر شده‌اند؟ در حقیقت سیدجمال و پیروانش اتحاد اسلام را بعنوان راه پایان دادن به عقب ماندگی و رهایی خلقهای مسلمان از جنگل استعمار مطرح می‌کردند.

دردوران اخیر، که جنبشهای آزادی بخش بخش بزرگی از دنیای اسلام را در بر گرفت، اندیشه اتحاد خلقهای مسلمان بار دیگر به شکل اتحاد خلقهای عرب در صحنه سیاست ظاهر گشت. کشورهای مختلف عرب بارها طرحهایی برای اتحاد خود کشیدند. حتی برخی اقدامات عملی سیر در این زمینه صورت گرفت، اما هیچ یک از این اقدامات به نتیجه قطعی نرسید.

امروز به جرات می‌توان گفت که اختلافات بین کشورهای مسلمان (بخصوص کشورهای عربی) آنها را بدو گروه متضاد و متخاصم تبدیل کرده است. مصر و لیبی، ایران و عراق، عراق و سوریه، مغرب و الجزایر، افغانستان و پاکستان و... همه در آتش اختلافات می‌سوزند.

آرزوی اتحاد اسلام، پایه عبارت صحیح تر، اتحاد خلقهای مسلمان، تاکنون به تحقق نرسیده و بصورت یک آرزو باقی مانده است. چرا؟ برای اینکه بتوان به این سؤال پاسخ داد، باید به علل و دلایلی که مانع این اتحاد شده و می‌شوند توجه کرد.

اتحاد بین خلقها و دولتها به دو صورت می‌تواند عملی گردد: اتحاد موثقت بر پایه منافع مشترک موثقت. متلا هنگامی که دو خلق و یا دو کشور در معرض نیاز همگانی قرار می‌گیرند، اتحاد دائمی بر پایه منافع دائمی مشترک، و این اشتراک منافع هنگامی می‌تواند وجود داشته باشد که بر پایه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشترکی بنا شده باشد.

کشورهای عربی می‌خواستند بر پایه زبان و دین مشترک (اسلام) بدون پایه‌ریزی بنیان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشترک، دولتهای واحدی بوجود بیاورند. آنها بارها این تجربه را آزمودند و باسکت روبرو شدند. هراقدام دیگری نیز که در این زمینه بعمل آید و این شرط اساسی و اصلی را در نظر نگیرد، جز این سرنوشتی نخواهد داشت. دنیای اسلام هم اکنون بر حسب روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ای که در آنها حکمفرماست، بدو جبهه تقسیم شده است: در یک جبهه کشورهای قراردارند که با هزاران رشته به امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکا مربوطند. پاکستان، عربستان سعودی، ترکیه، مصر، عمان، اردن، مراکش و غیره جزء این گروه از کشورهای هستند. در برابر این جبهه، کشورهایی چون ایران، سوریه، لیبی، یمن دمکراتیک، الجزایر و غیره وجود دارند، که هر یک به درجانی با امپریالیسم مبارزه می‌کنند. ایران اکنون در نخستین صف این مبارزه قرار دارد.

سرنوشت اتحاد اسلام به سرنوشت مبارزه با امپریالیسم ارتباط دارد. تنهایی از بیروزی در این نبرد است که می‌توان از اتحاد خلقهای مسلمان سخن گفت.

برای نیل به این پیروزی تختست باید جبهه واحد ضد امپریالیستی خلقهای مسلمان را بوجود آورد و تقویت کرد. اتحاد کشورهای خلقهای مسلمان را نتهم می‌توان بر پایه اشتراک منافع خلقهای مسلمان در مبارزه علیه امپریالیسم تأمین کرد. تحکیم و تعمیق و بایداری اتحاد خلقهای مسلمان هم هنگامی میسر و ممکن است که پایه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این کشورها همگون باشد، یعنی بوجود طبقات استعمارگردان در کشورها پایان داده شود. پایان دادن به سلطه امپریالیسم بمنزله یک سیستم اقتصادی - اجتماعی و سیاسی در جهان و ریشه کن کردن سرمایه داری در کشورهای اسلامی میتواند زمینه را برای ایجاد یک اتحاد دائمی از خلقهای مسلمان فراهم سازد.

کوششهایی که در گذشته، هنگام سلطه فئودالیسم در کشورهای اسلامی، برای "اتحاد اسلام" بعمل آمده و اکنون دردوران سلطه روابط سرمایه داری در داخل کشورهای مسلمان بعمل می‌آید، همه به دلیل فقدان پایه‌های ضرور اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بانکست روبرو شده است و تا این پایه‌ها بوجود نیامده هرتلاش دیگری هم به همین نتیجه خواهد انجامید. آنچه در

بیاید زمین‌ها را برادروار کشت کنیم

ز او دار کرده است که علیه خوش نشین‌ها به دادگاه انقلاب شکایت کنند. در حالیکه کاملاً روشن است که همه این زحمتکشان باید با هم برادروار عمل کنند و جهت حمله و مبارزه و شکایت باید علیه بزرگ مالک متوجه باشد.

این خیر نشان میدهد که تا قانسون اصلاحات ارضی اجرا نشود، وضع نا سامان روستائیان میهن ما بهبود نخواهد یافت: برای جلوگیری از تشنج و درگیری باید اتحاد دو همکاری بین زارعین و خوش نشینان محکم شود. دهقانان این روستا باید متحداً و با تشکیل در کمیته‌ها و اتحادیه‌های دهقانی، خود را برای اجرای قانون واگذاری زمین به دهقانان تهیدست آماده کنند. در این روستا می‌توان با ایجاد تعاونی تولید بر اساس رعایت حقوق همه زحمتکشان، به تولید جمعی بر روی مالکیت مشاع پرداخت و با اتحاد در عمل، امرحیاتی تولید را، به بهترین وجه، با کمک هم، آغاز و شکوفا کرد.

دهقانان کم زمین و بی زمین!

با تشکیل کمیته‌های خود و با تکیه به پاسداران متعهد وافر ادولسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر بیاد و بسود شما اجرا شود

اخبار کاریگری

وضع ناسامان درمانگاه ذوب آهن زیر آب

زیر آب یکی از شیرکامای حومه قائمشیر است و در ۲۵ کیلومتری جنوب آن قرار دارد. بعلت وجود معادن ذغال سنگ، زیر آب جزء یکی از مناطق کارگرنشین مازندران است.

در زیر آب دو درمانگاه وجود دارد، که یکی درمانگاه دولتی و دیگری درمانگاه ذوب آهن زیر آب است و کارگران معادن از آن استفاده می کنند.

درمانگاه، ساختمان دوطبقه نسبتاً کوچکی است. غیر از دو پرستار، فرد دیگری در این درمانگاه وجود ندارد.

پرستاران در مسورد نارساییهای درمانگاه چنین می گویند:

«تنها دکتر یکی که در این درمانگاه کار می کرد، مدتی است استعفا کرده و رفته است. الان آقای دکتر کمال عابدی، که پزشک درمانگاه دولتی زیر آب هستند، یکی دو ساعت در اینجا بیمار را ویزیت می کنند. بطور متوسط روزانه ۸۰ بیمار به این درمانگاه مراجعه میکنند. آقای متقیان داروخانهچی درمانگاه، که پزشک است، بعضی اوقات که پزشک نیست برای مریضهایی که بیماری آنها فقط اسهال و استفراغ است، داروی لازم را تجویز می نماید. این در مانگاه تلفن ندارد تا ما در موارد اضطراری که احتیاج به آمبولانس داریم، از آن استفاده کنیم. آمبولانس هم که نداریم. و در موارد اضطراری بعضی اوقات آقای متقیان داروخانهچی ما با ماشین شخصی خود بیماران را به قائمشیر می رسانند. از همه مهمتر ما اینجا آب نداریم. پزشک هم که نداریم، پس دیگر خودتان فکر کنید ما اینجا چه وضعی داریم، و ناراحتی ها و نارسایی های ما تا چه اندازه عمیق است.»

در سالن انتظار یک دختر بچه و خانمی که بچه اش را به پشت بسته، بر روی نیمکت و به انتظار پزشک نشسته اند.

این خانم آذر خاتون پور صد نام دارد؛ بچه اش مریض است و اسهال گرفته ولیکن بعلت اینکه امروز پنجشنبه است، درمانگاه پزشک ندارد. (پنجشنبه و جمعه درمانگاه تعطیل است.) این خانم می گوید:

«آقا، مادکتر نداریم، دکتر روزهای غیر از پنجشنبه و جمعه، آنهم فقط بعد از ظهرها هست، دکتر کشیک و شبانه روزی نداریم، بچه من مریض است من نباید چکار کنم.»

از مسئولین امر می خواهیم به وضع این درمانگاه جداً رسیدگی کنند و حداقل امکانات را برای این درمانگاه که اتفاقاً مورد استفاده زحمتکش ترین افراد جامعه ما است، فراهم نمایند.

قانون شکنی کارفرمایان ادامه دارد

شرکت مسافری اتو مپین، با ۷۰ دستگاه اتوبوس، یکی از بزرگترین شرکت های مسافری شیراز است. تعداد ۶ کارگر از ۱۷ سال پیش در انبار شرکت کار می کنند. کارگران از بدو استخدام پول بیمه می برداشتند، ولی کارفرما این پول را به بیمه نمی پرداخته است.

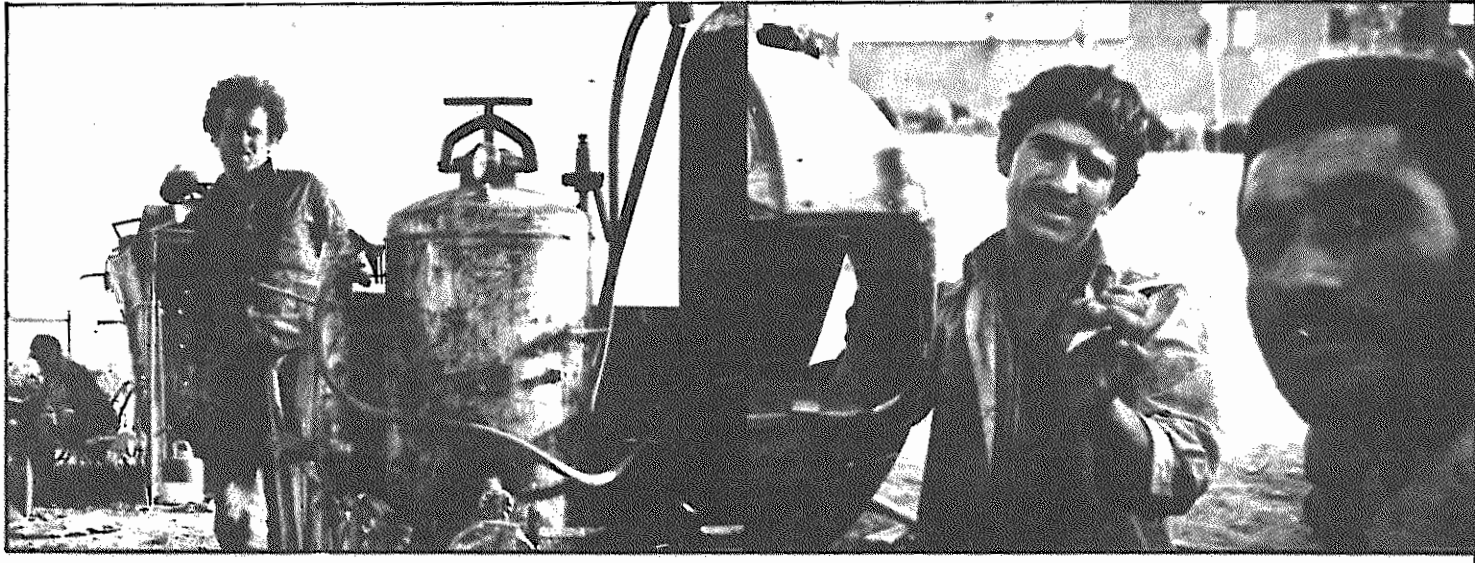
جدود ده سال پیش قتل بزرگی بر سر یک کارگر اصابت کرد و وی دردم جان سپرد و کارفرما بالاچار کارگران را بیمه کرد.

کارگران ۱۷ سال پیش با کارفرما قرارداد بستند که بابت هر ماهی هجده، بروی هم، ۱۰ تومان دستمزد بگیرند. (هم اکنون هر روز ۳۵ دستگاه اتوبوس از این شرکت عازم شهرهای دیگری شود و در نتیجه به هر کارگر روزی ۵۷ تومان دستمزد تعلق می گیرد).

دستمزد کارگران در این مدت ۱۷ سال هیچگونه تغییری نکرده است.

کارگران به کارفرما اعتراض کرده اند و در تحقیقات معلوم شده است که کارفرما از هر راننده بابت انبار ۱۵۰ ریال می گیرد و فقط ۱۰۰ ریال را به کارگران می دهد و بقیه را خود برمی دارد. کارگران برای رسیدگی به این موضوع به اداره کار شکایت کرده اند و خواهان آنند که آخرین مصوبه حقوق کاریگری به آنها تعلق گیرد.

تأمین کار برای کارگران
بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است



گذری از کنار صافکاران کنار خیابانها و خرابه ها

می مانیم. نسراله علیوند، صافکار کنار خیابان (اتوبان) بعثت می گوید:

«من اهل قریه "صلوات" از توابع مشکین شهر هستم و ۲۰ سال سن دارم و با برادرم کاری کنم. او تازه ازدواج کرده. ما با پدر و مادر و ۷ برادر و خواهر دیگرمان در یک آپارتمان ۲ اتاقه زندگی می کنیم. این خانه را زمان انقلاب در شهرک نجف آباد گرفتیم و با وجود دعوای زیاد و درگیری با کمیته ها هنوز آنجا زندگی می کنیم. ولی تکلیفان معلوم نیست.»

اودر مورد وضع کارش می گوید:

«در آمدمان از صافکاری خیلی کم است. تقریباً هفته ای ۵۰۰ تومان و آنهم در صورتی است که مشتری باشد و هوا هم خوب باشد. این پول اصلاً کفاف خانواده پر جمعیت ما را نمی دهد. حالا خوب است که گرایه منزل نمی دهیم وگرنه معلوم نبود که با این مشکل چطور می بایست مقابله کنیم. گجا به یک خانواده ۱۲ نفری خانه می دهند؟»

او از گذشته خود و خانواده اش در روستا می گوید:

«در روستا پدر و مادرمان و همچنین من و برادران بزرگم کشاورزی می کردیم، ولی چه فایده که درآمدمان بسیار ناچیز بود، چون زمین به آن صورت نداشتیم. به همین خاطر زمین و خانه مان را ول کردیم و به تهران آمدم. ما از دولت می خواهیم که زمین مناسبی در روستا در اختیارمان بگذارد تا ما دوباره سرخانه و زندگی مان برگردیم. ما کشاورزیم باید امکانات اینکار را در اختیارمان بگذارند.»

او از مشکلات زندگی در تهران سخن به میان می آورد:

«در این حوالی همه چیز بسختی پیدا میشود. مثلاً گوشت نامرغوب کیلویی ۳۰ تومان است. میوه اصلاً به خانه ما راه ندارد، از کجا پول بیوریم و برای دوازده نفر میوه بخریم؟ مگر اینکه یگروز هیچ نخوریم و بجایش طعم میوه خوب را بجشیم.»

او در پایان می گوید:

«آقا، من اول جوانیم است، خیلی آرزوها دارم. اول از همه می خواهم ازدواج کنم و زندگی ساده ای تشکیل دهم، ولی با کدام پشتوانه و دلگرمی؟»

آنموقع چه اجباری داریم که در گرمای تابستان و سرمای زمستان، بدون حتی یک وعده غذای درست و حسابی در اینجا زندگی کنیم. اسداله شریعت ناصری یکی دیگر از صافکاران کنار خیابان جوانمرد قصاب در مورد زندگی خود می گوید:

«من ۴۲ سال سن و ۵ فرزند دارم، که همگی آنها درس می خوانند. ۲۰ سال است که در تهران کاری کنم. پیش از آنکه به تهران بیایم در لنگرود خرده فروش بودم. اوایل ورودم به تهران آرایشگاه داشتم، ولی کارم رونقی نداشت. مجبور شدم بروم کارخانه ایران ناسیونال، ۶ سال آنجا کار کردم تا حقوقم به ماهی ۷۰۰ تومان رسید. با این پول که نمی توانستم خرج زن و بچه خود را بدهم. آنجا را ول کردم و بیرون آمدم.»

اوسپس ادامه می دهد:

«پس از آن در قسمت موتوری شهرداری با ماهی ۲۰۰۰ تومان استخدام شدم. در مقابل اضافه شدن به حقوقم، قیمت ها نیز چند برابر شدند. با این حقوق می بایست ۷۰۰ تومان اجاره خانه میدادم، ولی با این وجود ۴ سال نیز در آنجا کار کردم. بعد در اثر فشار زندگی مجبور شدم آنجا راهم رها کنم.»

او در مورد وضع کنونی کارش می گوید:

«الان چند سالی است که کنار یک خیابان و خیابانهای اطراف شغلم صافکاری اتوموبیل است. من مکانیک خوبی بودم برای همین شهرداری آن موقع بدمن ۲۰۰۰ تومان ماهیانه حقوق می داد، ولی خرج زندگی ساده ما بیشتر از اینها بود. بچه هایم رفتن به بزرگ می شدند و هزینه های زندگی نفس گیر. الان هم اینجامن از صبح تا شب در گرمای ۳۷ درجه چشم براه یک ماشین هستم، تازه اگر پیش صافکار جلویی نرود.»

او از وضع زندگی خود و گرانی روز افزون گله می کند و می گوید:

«حالا ناراحتی ما بیشتر از این است که تاکی باید با گرانی بسازیم؟ مگر ما چقدر درآمد داریم؟ آیا بچه های ما نباید در ماه حتی یک وعده میوه بخورند؟ ما باید همیشه مواظب باشیم تا خودمان و مخصوصاً بچه هایمان مریض نشوند، وگرنه علاوه بر خرج زیاد پزشک و دارو از نان آرزومان هم

درگوشه و کنار تهران، در کنار تکه زمین های خالی و خرابه ها، به چند جامع زحمت کشانی برخورد می کنیم که به کار صافکاری اتوموبیل مشغولند. این زحمت کشان جزء کوچکی از ارتش عظیم بیکاران کشور ما هستند، که پس از انقلاب پرسکوه میهنمان، امیدوار بودند که جامعه انقلابی ایران بتواند برای آنها و خانواده شان مامنی آسوده فراهم آورد، اما سهل انگاری ها و اقدامات غیر انقلابی و سازش کارانه دولت موقت باعث شد که آنها در پی یافتن روزی برای خود و خانواده خود هر روز دست به انجام کاری بزنند.

اکنون نیز به جای اینکه از تخصص و حرفه خود برای بالا بردن سطح تولید کشور استفاده کنند، مجبور اند در گوشه و کنار خیابان ها چشم انتظار اتوموبیلی باشند که برای صافکاری به سوی آنها می آید.

اکثر این صافکاران، جوانان پر شور و با استعدادی هستند که از شهرستان های دیگر به امید یافتن کار در بخش های صنعتی روانه تهران شده اند و اکنون بی بهره از هرگونه امکانات رفاهی برمی روند.

به پای صحبت تنی چند از آنها، که در اطراف تهران پراکنده اند، می نشینیم تا از نزدیک با زندگی و رنج های آنها آشنا شویم.

محمد علی خانی یکی از صافکاران کنار خیابان جوانمرد قصاب می گوید:

«من ۱۸ سال دارم و اهل روستای "کراز" از توابع اراک هستم. قبلاً سه سال در یک کارگاه صافکاری می کردم. درآمد بسیار کم بود و کفاف اینرانی داد که مقداری از آنرا در تهران خرج خودم کنم و مقداری را هم برای خانواده ام در روستا بفرستم. این بود که با پس انداز اندکی که داشتم یاد و نرفدیگر شریک شدم و وسایل لازم برای صافکاری را تهیه کردیم.»

او در مورد وضع کنونی اش می گوید:

«تمام سرمایه ما ۵ هزار تومان است. در حال حاضر تمام درآمد هرنفر از ما در ماه ۱۵۰۰ تومان است. ماهیچ چیز برای زندگی نداریم. تمام دردم از بیکاریست. اگر دولت کاری برای مادرست کند و یا اینکه در روستایمان زمینی در اختیارمان بگذارد، نهنتمن من، بلکه دیگر دوستانم نیز حاضرند که به روستایمان برگردیم.»

درجهان سرمایه داری

بیکاری در بیشتر فته ترین کشورهای سرمایه داری در ده سال اخیر

جدول زیر نشان میدهد، که بیکاری در کشورهای سرمایه داری، امروزه نیز مانند گذشته، در مرحله بحران ادواری گسترش می یابد، اما بخلاف گذشته در مراحل آغاز رونق و رونق تنها اندکی کاهش می پذیرد و در برخی اوقات حتی همچنان بیشتر میشود:

بیکاری در کشورهای سرمایه داری (به هزار)

۱۳۴۹	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹
کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	۷۸۴۶	۱۸۵۰۰	۱۵۲۸۵	۱۵۸۲۳	۱۵۸۶۸	۱۶۸۰۰
ایالات متحده آمریکا	۴۰۸۸	۷۸۳۰	۷۲۸۸	۶۸۵۶	۶۰۴۷	۵۹۶۳
جامعه اروپا	۲۱۸۹	۴۷۰۵	۵۳۱۹	۵۷۴۳	۶۰۱۲	۶۵۵۰
بریتانیا	۶۱۸	۶۷۰	۱۳۵۹	۱۴۴۴	۱۴۷۵	۱۳۹۰
ایتالیا	۹۶۱	۱۲۰۲	۱۲۷۹	۱۳۹۸	۱۵۷۱	۱۷۴۰
فرانسه	۲۶۲	۸۴۰	۹۳۲	۱۰۷۳	۱۱۶۷	۱۳۶۰
جمهوری فدرال آلمان	۱۴۹	۱۰۷۴	۱۰۶۰	۱۰۳۰	۹۳۳	۸۷۰

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

درجهان سوسیالیسم

کاهش مرگ و میر کودکان در کوبا

در کوبای سوسیالیستی از هر هزار کودکی، که چشم به جهان می گشاید، تنها ۱۹/۳ نفر پیش از یکسالگی فوت می کنند. رقم مشابه برای کودکان ۱-۴ ساله تنها ۱ است. برای مقایسه، آهنگ مرگ نوزادان و کودکان ۱-۴ ساله برخی دیگر از کشورهای آمریکای لاتین را در زیر ازنظر خوانندگان می گذرانیم:

کشور	آهنگ مرگ نوزادان (در هزار)	آهنگ مرگ کودکان ۱-۴ ساله (در هزار)
پاراگوئه	۹۴/۳	۵/۶
کواتالا	۸۰/۷	۲۴/۲
پرو	۷۲/۴	۷/۵
شیلی	۶۳/۳	-
کلمبیا	۵۲/۵	۴/۹
ونزوئلا	۴۳/۷	-
اکوادور	-	۱۳/۹
سالوادور	-	۹/۵
هندوراس	-	۹/۲
جمهوری دومینیک	-	۴/۸
ونزوئلا	-	۳/۸

(- آمار دردسترس نیست.)

